

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال نهم- شماره ۲۷- بهار ۱۴۰۳-ص ۱۸۱-۱۹۹

مفهوم‌شناسی نشوز زوجه و گستره آن از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران با نگاهی به آئین زرتشت

امیرحسین سروری^۱

چکیده

یکی از مشکلات منجر به تزلزل خانواده، پدیده نشوز است. این مقاله با هدف آسیب‌شناسی و ارتقای کیفی حقوق خانواده در ایران و تقریب آئین زرتشت با دین اسلام، در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که گستره مفهومی نشوز زوجه چیست و چه مواردی را در برمی‌گیرد و اهم مصادیق آن در جامعه امروزی چیست. در قانون مدنی ایران تنها یک‌بار از لفظ نشوز ذیل ماده ۱۱۰۹ استفاده شده که تعریفی از آن ارائه نشده است. در آثار فقهی نیز دیدگاه‌هایی در مفهوم‌شناسی نشوز زوجه ارائه شده است. عده‌ای از فقهاء مانند بعضی از علمای زرتشت نشوز زوجه را به معنای عدم فرمانبرداری مطلق از زوج و عده‌ای دیگر به معنای عدم تمکین جنسی در برابر شوهر تفسیر کرده‌اند. نگارنده ضمن بیان و بررسی نظریات و ادله، با روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه دست یافت که نظریات فقهاء منطبق با آیات و روایات نشوز نیست بلکه براساس آیه ۳۴ سوره نساء و روایات این باب نشوز منحصرأ به معنای تمایل عاطفی، احساسی و جنسی زن نسبت به مردی غیر از همسر خویش است که امروزه از آن به خیانت تعبیر می‌شود. در برخی کتب فقهی و حقوقی زرتشتیان نیز همین دیدگاه در رابطه با تبیین نشوز زوجه بیان شده است.

واژگان کلیدی: نشوز، فقه امامیه، زرتشت، نشوز زوجه، قانون مدنی.

۱. دانش‌آموخته دکتری (سطح چهارم)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، مدرس

مقدمه

طبق آموزه‌های دینی و حقوقی، مقرراتی با هدف استحکام بنیان خانواده وضع شده و به زوجین سفارش شده که از آن‌ها پیروی کنند و هر کدام وظیفه خود را به نیکوترین شکل انجام دهند تا خانواده متزلزل نشود. در صورتی که هر یک از زوجین به مسئولیت خود نسبت به همسرش عمل نکنند، از این حالت در اسلام به «نشوز» و در زرتشت به «ناترس آگاهی» تعبیر شده است. واژه نشوز در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی ایران نیز ذکر شده است.

امروزه بحران‌های تهدید کننده بنیان خانواده به معضلی غیرقابل حل برای اغلب مکاتب بشری تبدیل شده است. بازگشت به ایدئولوژی حکمت بنیان ادیان الهی، از این جهت دارای اهمیت است که مدعای آن، تحکیم و تعالی این نهاد ارزشمند اجتماعی است و وجود احتمال انتفاع، به رجوع به آن حکم می‌کند. از آنجاکه آیین زرتشت یکی از کهن‌ترین ادیان جهان است که به دلیل ارزش ذاتی آن به عنوان دین اخلاقی، تأثیر قابل توجهی بر ادیانی نظیر مسیحیت و یهودیت داشته است (کدارناث، ۱۳۸۷: ۴۵) و از سوی دیگر، در دوران ساسانی که پیش از ورود اسلام به ایران می‌باشد، زرتشت دین رسمی کشور بود که تمام ویژگی ادیان ابراهیمی را داشته و حتی از تمام آن‌ها به اسلام نزدیک‌تر بود به گونه‌ای که امروز هزاران بار بیش از یهودیت و حتی مسیحیتی که عیسی را تنها پسر خدا می‌شمارد، آئین زرتشت با اسلام قرابت داشته (رجبی دوانی، ۱۳۹۵)، از جذابیت لازم برای مطالعه تطبیقی با دین اسلام برخوردار است. فلذا این سؤال مطرح می‌شود که نسبت دیدگاه فقها و قانون مدنی ایران با دیدگاه علمای زرتشت در باب مفهوم و گستره نشوز چیست؟

در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته است، مانند (بررسی فقهی-حقوقی نشوز زوجین، تدین، مائده سادات، قم- ایران: عصر جوان، چاپ یکم، ۱۴۰۰). نویسنده در این کتاب تنها نقل اقوال صورت گرفته است و به بررسی تحلیلی اقوال و ادله آن‌ها پرداخته نشده است. ولی اشاره‌ای به تفاوت دیدگاه فقه امامیه و آیین زرتشت نکرده است. دیگری (بررسی فقهی-حقوقی گستره نشوز زوجین و شیوه مواجهه با آن، شاکری گلپایگانی، طوبی؛ کاردوانی، راحله؛ و کیلی، مهدی، مطالعات راهبردی زنان، ۶۴ تابستان ۱۳۹۳). که در این مقاله تعریف و گستره نشوز و اختلاف فقهای امامیه در باب کیفیت، شرایط، ابزار و مختصات رجوع به ضرب زوج و زوجه تبیین شده است. اما اشاره‌ای به دیدگاه آیین زرتشت در این زمینه و اینکه تفاوت آنها با فقه امامیه در چیست، نکرده است.

در فقه امامیه برای نشوز دو نظریه مطرح شده است که برخی به معنای عدم تمکین خاص گرفته‌اند و برخی عدم تمکین عام را مد نظر گرفته‌اند و اما در آیین زرتشت نیز دو نظریه عدم اطاعت مطلق از شوهر و خیانت وجود دارد؛ فلذا نوشتار حاضر درصدد بررسی مفهوم نشوز زوجه و گستره آن از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران با نگاهی به آئین زرتشت می‌باشد و تلاش می‌کند به سؤالات زیر پاسخ مناسب داده

شود. اینکه نشوز از منظر فقها و قانون مدنی ایران چه مفهوم و گستره‌ای دارد؟ دیدگاه علمای زرتشت در باب مفهوم و گستره نشوز چیست؟ دیدگاه علمای زرتشت در این مسأله، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نظر علمای امامیه دارد؟

۱. ماهیت نشوز

از نظر لغویون، واژه نشوز به معنای بلند شدن و برخاستن بیان شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴/۵:۴۱۷) در نشوز نوعی نافرمانی، رفع مسئولیت و امتناع می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸/۱۲:۱۲۴) فقهاء نشوز را تعریف کرده‌اند به اینکه یکی از زوجین، از وظایف واجب خود نسبت به دیگری خارج شود. (برای نمونه: شهیدثانی، ۱۴۱۲/۲:۱۳۳ / نجفی، ۱۳۶۲/۳۱:۲۰۰ / بحرانی، ۱۳۶۳/۲۴:۶۱۴ / طباطبایی، ۱۴۱۲/۱۰:۴۷۳) اما علمای زرتشت نشوز را فقط از طرف زن دانسته‌اند. (بهرامان، ۱۳۹۳/۲۹۵: جی‌مودی، ۱۹۲۲/۱:۱۹۰)

در قانون مدنی ایران تعریفی از نشوز ارائه نشده و تنها یک بار از واژه نشوز ذیل ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی^۱ استفاده شده که در مورد زوجه به کار رفته است. برخی حقوق‌دانان در تشریح ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی،^۲ به صراحت نشوز را مختص به زن دانسته که از انجام وظایف زوجیت امتناع کند. (بیات و بیات، ۱۳۹۳/۲:۴۴۹) لذا در نظام حقوقی ایران نشوز را معمولاً برای نافرمانی زن به کار می‌برند. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸:۱۳۲)

به نظر می‌رسد دیدگاه قانون مدنی، علاوه بر آنکه برخلاف آیه ۱۲۸ سوره نساء^۳ می‌باشد که نشوز زوج را بیان کرده، خلاف اصل عدالت است و پذیرش این نظر و نسبت دادن آن به خداوند به عنوان حکم دین، با اصل اساسی اصول دین که عدالت خداوند است در تقابل قرار می‌گیرد و همین دلیل برای اثبات ضعف این نظر کافی است. علاوه بر این، اصل اساسی و کرامت انسانی در تساوی و برابری حقوق انسان‌ها اعم از زن و مرد باهم قرار گرفته است و نباید هیچ تبعیضی را میان زن و مرد پذیرفت. فلذا شایسته بود که قانون مدنی نسبت به نشوز زوج هم توجه می‌کرد.

۲. نشوز زوجه در فقه و قانون مدنی

تحقق نشوز به دانستن مفهوم و گستره مسئولیت زوجه نسبت به زوج بستگی دارد. فقهاء در ارتباط با این مسأله نظریاتی بیان کرده‌اند که به نقل و بررسی اقوال و ادله آن‌ها همراه با رویکرد قانون مدنی ایران می‌پردازیم.

۲-۱. نظریه اول؛ امتناع از تمکین خاص

۱. نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد...

۲. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

۳. ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا﴾

برخی فقهاء مانند صاحب ریاض، شیخ انصاری و امام خمینی معتقد هستند که نشوز زن عدم اطاعت از زوج برای ایجاد رابطه زناشویی و هم‌بستری می‌باشد؛ زیرا وظیفه اصلی زن تمکین در مسائل جنسی است. (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۳۵۰/انصاری، بی تا ۴۶۹: ا)

هر گونه سخن گفتن و رفتار زن که از لذت جنسی زوج جلوگیری کند، موجب تحقق نشوز می‌شود؛ به گونه‌ای که وقتی مرد او را به رابطه زناشویی دعوت می‌کند، زوجه با ترشویی و بی‌اعتنایی سنگین برخورد کند و یا هر چیزی موجب تنفر می‌شود و با لذت بردن مرد سازگاری ندارد، از خودش زایل نکند. بلکه حتی در مواردی که نظافت را ترک کند و یا آرایشی که مورد دلخواه زوج است را انجام ندهد. هم‌چنین خروج زوجه از منزل بدون اذن شوهر نیز نشوز است؛ زیرا با استمتاع زوج منافات دارد. (موسوی خمینی، بی تا: ۲/۲۹۰/طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۰/۴۷۳/سبحانی، ۱۴۱۶: ۲/۲۹۹)

در قانون مدنی تصریحی به نشوز زن نسبت به امتناع از وظیفه زناشویی نشده است اما حقوق‌دانان در مساله تمکین خاص وظیفه زن را نزدیکی جنسی با شوهر می‌دانند که امتناع از آن موجب نشوز زن می‌شود. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

به نظر نگارنده آنچه در قانون نشوز زن را در امر زناشویی مطرح می‌کند، ماده ۱۱۰۸ است که «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود». برخی حقوق‌دانان وظایف زوجیت در این ماده را اعم از تمکین عام و خاص دانسته‌اند و امتناع زوجه از این وظایف را موجب تحقق نشوز وی می‌دانند. (بیات و بیات ۱۳۹۳: ۲/۴۴۹) لذا علاوه بر خودداری زن در مقابل لذت جنسی، مطلق نافرمانی از شوهر نیز موجب نشوز و عدم استحقاق نفقه است. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۲۹۷/کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱/۱۷۳)

ولی به نظر ما آنچه از این ماده با قرینه قید «مانع مشروع» به ذهن متبادر می‌شود آن است که منظور از امتناع وظایف زوجیت، خودداری زن نسبت به وظایف زناشویی می‌باشد که موجب تحقق نشوز است؛ به دلیل اینکه برخی حقوق‌دانان نیز قید «مانع مشروع» را به موانع تمکین جنسی مانند حالت حیض و نفاس شرح داده‌اند. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۲۹۷)

۲-۱-۱. دلایل نظریه تمکین خاص

فقهاء درباره این نظریه به آیاتی از قرآن و روایاتی که مدعای آن‌ها را ثابت می‌کنند، استناد کرده‌اند.

۲-۱-۱-۱. استناد به آیه ۳۴ سوره نساء

برخی فقهاء با استناد به آیه ۳۴ سوره نساء نظر خود را ثابت کرده‌اند. (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۱/۲۰۵) براساس این فراز از آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» مردان سرپرست و نگهبان زنان هستند که از آن تعبیر به قوامیت می‌شود. معنای قیومت آن است مرد به خاطر اینکه هزینه زندگی زن را از مال خودش می‌پردازد، پس بر زن لازم است در آنچه مربوط به زناشویی و هم‌خوابگی با مرد می‌شود، او را اطاعت

کند. (موسوی‌همدانی، ۱۳۹۵/۴:۵۴۵) در ادامه آیه از واژه «قنوت» و «نشوز» تعبیر کرده است:
﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ﴾.

برای استدلال به این فقره گفته شده که قنوت و نشوز در مقابل هم قرار دارند (همان، ۱۳۹۵/۴:۵۴۴)؛ با این توضیح که قنوت به معنای اطاعت کردن است. (قمی، ۱۳۷/۱:۱۴۰۴) و در این قسمت از آیه به معنای اطاعت از شوهر می‌باشد و محدوده اطاعت آن است تا همیشه از دستورات شوهر که مرتبط با استمتاع جنسی می‌باشد، پیروی کنند. (موسوی‌همدانی، ۱۳۹۵/۴:۵۴۴) و از طرفی نشوز که مقابل قنوت قرار دارد به معنای عدم اطاعت از شوهر در تمکین جنسی می‌باشد. (قمی، ۱۳۷/۱:۱۴۰۴)

۲- ۱- ۱- ۲. استناد به روایات

در ارتباط با این نظریه احادیثی در کتب روایی ذیل باب «حق الزوج علی المرأة» ذکر شده که مورد استناد برخی فقهاء (سبزواری، بی تا: ۲۱۸/۲۵) قرار گرفته‌اند:

الف) استناد به روایت محمد بن مسلم:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مُحَبُّوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ... وَلَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷/۵:۵۰۷)

زنی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: حق شوهر بر همسرش چیست؟ فرمود: این که اطاعتش کند، از او نافرمانی نکند... و شوهرش را از خود منع نکند گرچه بر پشت کوهان شتر باشد... فراز مورد استناد «لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا» می‌باشد که زن نباید مانع شود تا خودش را در اختیار شوهر قرار دهد تا استمتاع جنسی از او ببرد.

ب) استناد به روایت عمرو بن حُبیر:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُبَيْرٍ الْعُزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْنِي تَطَوُّعًا... وَعَلَيْهَا أَنْ تَزِينَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ حَقُّهُ عَلَيْهَا» (کلینی، ۱۴۰۷/۵:۵۰۸) زنی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله! حق مرد بر همسرش چیست؟ فرمود: زیاد است! عرض کرد: بخشی از آن را برایم بیان کنید. فرمود: زن نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد مگر با اجازه همسرش... و باید خود را به بهترین زینت‌هایش آراسته نماید و صبح و شب خود را بر او عرضه نماید، و البته حقوق مرد بر زن بیش از این موارد است.

ج) استناد به مرسله طبرسی:

پیامبر (ص) فرمود: هیچ زنی نباید بخوابد، مگر اینکه خودش را در اختیار شوهرش قرار دهد، لباس خود را در بیاورد و زیر لحاف شوهر برود و پوست خود را به پوست او بچسباند. اگر چنین کرد، خود را در اختیار شوهر قرار داده است. (طبرسی، ۱۹۷۲: ۲۳۸)

۳-۱-۱-۲. نقد نظریه

تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، برای این نظریه دلیل قابل قبولی ذکر نشده بلکه اشکالاتی از جهات دیگر وارد است.

۱-۳-۱-۲. نقض غرض در ترک مضجع

اگر مصداق نشوز را عدم تمکین جنسی در برابر خواسته شوهر بدانیم، در ادامه‌ی آیه دچار تناقض خواهیم شد؛ زیرا قرآن هنگام مواجهه با نشوز زن مراتب سه‌گانه‌ای را مشخص کرده که زوج می‌تواند نسبت به آن‌ها اقدام کند. یکی از این مراحل هجر در مضجع است «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ»؛ یعنی زوج رختخواب را ترک کند و با زوجه همخوابگی نداشته باشد. تناقض در اینجا روشن می‌شود که مدت زمانی باید طول بکشد تا تأثیر مثبت این اقدام مرد مشخص شود و حال آنکه دوری گزیدن از بستر زناشویی توسط شوهر، در جهت خواسته زن خواهد بود و نه تنها زن را پشیمان نخواهد کرد بلکه موجب رضایت وی نیز می‌باشد و غرض شارع محقق نخواهد شد.

۲-۱-۳-۲. زمینه‌ساز خشونت جنسی

این نظریه که قوامیت مرد را به معنای حق اختیار در استمتاع جنسی می‌داند و زن را مکلف به تسلیم در برابر عمل جنسی قلمداد می‌کند، منجر به یک نظام مردسالار در خانواده می‌شود که مردان هم بر نهادهای اجتماعی و هم بر جسم زنان کنترل دارند که شوهر به خاطر سلطه کامل بر جسم زن، می‌تواند به هر خواسته و نظری که دارد برسد هرچند که مخالف میل زن باشد و نهایتاً موجب بروز خشونت‌های خانگی و جنسی علیه زن خواهد شد. تماس جنسی اجباری با زن به هر شکل و دلیلی که صورت گیرد، تجاوز تلقی شده و زیر نام خشونت جنسی قرار می‌گیرد. (منیر، ۱۳۸۸: ۲۸)

بنابراین در امور مربوط به خانواده ضرورت دارد تلقی متعادل از مفاهیم دینی صورت بگیرد، در عین اینکه حقوق زن و شوهر مراعات می‌شود، منجر به پیامد منفی از نظر اجتماعی و فرهنگی نشود.

۲-۲. نظریه دوم؛ امتناع از تمکین عام

فقهایی نظیر شهید ثانی، شیخ مفید اعتقاد دارند نشوز زن با اطاعت نکردن و سرپیچی از فرمان شوهر محقق می‌شود. محدوده اطاعت از شوهر به اندازه گستره اوامر و نواهی اوست؛ یعنی هر دستوری که شوهر می‌دهد زن باید اطاعت کند، چه مربوط به زندگی خانوادگی باشد یا نباشد، و چه درباره بهره‌وری جنسی باشد یا نباشد. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۸ / ابن زهره، ۱۴۱۷: ۳۵۲) محقق خویی این نظریه را به مشهور نسبت داده است. (خویی، بی‌تا: ۲۸۷)

در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. حقوق‌دانان امتناع از وظایف زوجیت را به معنای عام در نظر گرفته‌اند که موجب نشوز زن و عدم استحقاق نفقه است. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۳۱) محقق داماد در شرح آن گفته است آنچه در این ماده بعنوان موجب زوال استحقاق نفقه مطرح می‌باشد، نشوز زوجه در مقابل زوج است. مفهوم مقابل نشوز، صرفاً تمکین جنسی نیست، بلکه مفهومی اعم از آن است. زن غیر ناشزه علاوه بر تمکین در امور زناشویی، باید مطیع کامل زوج نیز باشد. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۲۹۷)

به نظر می‌رسد در کلام استاد محقق داماد تناقض وجود دارد؛ زیرا ایشان در توضیح قید «مانع مشروع» موانع تمکین جنسی را توضیح داده‌اند (همان) اما وظایف زوجیت را به معنای اعم در نظر گرفته است. براساس نظر برخی فقهاء و حقوق‌دانان به طور کلی موارد امتناع زن از انجام وظیفه به طور مطلق، اختصاص به امور زیر دارد:

۱- خروج زوجه از منزل با اذن زوج:

فرمایش بعضی از فقهاء ظهور دارد در اینکه بر زن لازم است از همسرش، اذن خروج از منزل بگیرد حتی در مواقعی که بخواهد به دیدار اقوام، عیادت بیمار و یا تدفین اموات نزدیکان خود برود. (شهیدثانی، ۱۳۸۳: ۲/۳۰۸ / مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۸) قانون مدنی صراحتی در خصوص الزام زن برای اذن خروج از منزل توسط شوهر ندارد و از این جهت دارای ابهام است اما حقوق‌دانان این امر را از آثار ریاست مرد در خانواده می‌دانند؛ به گونه‌ای که شوهر می‌تواند به منظور حفظ مصالح خانواده معاشرت‌ها و رفت و آمدهای زن را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را تهدید می‌کند باز دارد. در این امر زن وظیفه دارد اراده شوهر را محترم بشمارد اما مرد حق ندارد به دلخواه و بدون دلیل موجه زن را از معاشرت با خویشاوندان یا اجرای فرایض دینی منع کند. (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱/۲۱۱) بنابراین حرمت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر شامل ممنوعیت هرگونه فعالیت علمی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای زن است.

۲- اشتغال زوجه:

در ارتباط با اشتغال، زن لازم است که اذن شوهر را کسب کند. لذا اگر زن بعد از عقد نکاح بدون اذن شوهر، در مقابل مزدی که می‌گیرد، قراردادی برای کارکردن منعقد کند، باطل است. (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۴۹۸) در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی نیز آمده شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی و حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. حقوق‌دانان در تشریح این ماده گفته‌اند که از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد. چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده شوهر می‌تواند زن را از اشتغال به هرگونه حرفه در بیرون خانه منع کند (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۳۱۶) از این ماده مشخص نمی‌شود سرپیچی زن از خواسته زوج در محدوده نشوز

است؛ زیرا تصریحی نشده اما بعضی حقوقدانان بر مبنای تمکین خاص براساس ریاست مرد در خانواده (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) و برخی به دلیل لزوم اذن خروج، عدم اطاعت زوجه در این مورد را جزو نشوز به حساب آورده‌اند. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۳۱۶) البته ماده فوق درخصوص معیار تشخیص منافات داشتن شغل زن با مصالح خانوادگی و یا حیثیت زوجین دارای ابهام می‌باشد و اختیار تشخیص آن را به دست زوج سپرده است؛ به گونه‌ای که شوهر می‌تواند با نظر شخصی و بدون دلیل قابل قبول زن را از اشتغال منع کند. (بیات و بیات، ۱۳۹۳: ۴۵۲/۲) اما قانون حمایت از خانواده مقرر کرده که شوهر می‌تواند تنها با تأیید قبلی دادگاه، زن را از اشتغال به شغلی منع کند. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

۳- امتناع از زندگی در مسکن تعیین شده از جانب زوج:

زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکونت گزیند و اگر مرد منزل مناسب تدارک دید و زن از سکونت در آن امتناع ورزید، نشوز زن محقق می‌شود. (مروارید، ۱۴۱۰: ۶۵۶/۱۹) در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی آمده زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکونی نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. لذا زوجه موظف است در هر منزلی که شوهر انتخاب می‌کند، اقامت گزیند. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۳۱۰) در این ماده تصریحی به نشوز زوجه در صورت عدم اقامت نشده است و حقوقدانان نیز در شرح آن اشاره‌ای به نشوز زن نکرده‌اند ولی احتمالاً ارتکار ذهنی آن است که این مورد جزو وظایف زن در تمکین عام محسوب می‌شود و سرپیچی از آن موجب تحقق نشوز خواهد شد.

۴- سوء معاشرت:

هر گونه بد زبانی و یا بد رفتاری نسبت به زوج موجب تحقق نشوز زوجه می‌شود. برخی از فقها معتقدند نشوز به گفتار این است وقتی زوج با متانت با زن سخن می‌گوید و یا او را صدا می‌زند، جواب ندهد و برخلاف آنچه عادت عرفی و معمول بر ادب سخن گفتن است، عمل کند. نشوز در رفتار آن است که نافرمانی می‌کند و امر شوهر را انجام نمی‌دهد و وقتی هم اجابت می‌کند همراه با کراهت و تندخویی است. (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۳۳۳) ذیل ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده اگر زن از انجام وظیفه حسن معاشرت سرباز بزند ناشزه محسوب می‌شود. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) به نظر نگارنده ماده فوق در مورد نشوز زن ابهام دارد و صرفاً یک دستور اخلاقی از آن برداشت می‌شود؛ زیرا حسن معاشرت یک مفهوم کلی است و مصادیق آن مشخص نیست، اما حقوقدانان اموری مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، اعتیادهای مضر و نظایر آن‌ها را جزو مصادیق عدم حسن معاشرت دانسته‌اند. (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۲۰۲/۱) که موجب تحقق نشوز است، ولی به نظر ما نشوز زوجه همانطور که در فقه هم مشخص شده امتناع زن از ایجاد رابطه جنسی و یا سرپیچی از اطاعت مطلق ذکر شده است و این موارد بیان شده شامل نشوز نمی‌باشد.

۲- ۱. دلایل نظریه تمکین عام

فقهاء در ارتباط با این نظریه به آیاتی از قرآن و روایاتی که مدعی آن‌ها را ثابت می‌کنند، استناد کرده‌اند.

۲-۱-۱. اطلاق «قوامیت» در آیه ۳۴ سوره نساء

بر اساس فرمایش خداوند در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» مطلق قوامیت مرد بر همسرش بیان شده؛ به این معنا که نوع مردان بر نوع زنان در تمام شؤون از جمله حکومت‌داری، قضاوت، وادار کردن به تکالیف و تعلیم، ولایت و سلطه دارند همانگونه که والیان بر رعیت تسلط دارند. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۷۹/۳؛ اردبیلی، بی تا: ۵۳۶) سپس در ادامه آیه به وسیله فاء تفریع «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ» فرعی از فروع این حکم مطلق را در امور مربوط به خانواده ذکر کرده است؛ با این توضیح که «قنوت» به معنای اطاعت کردن است (قمی، ۱۴۰۴: ۱۳۷/۱) و به دلیل اینکه آیه مربوط به خانواده می‌باشد، مراد آن است که بر زن واجب می‌باشد شوهر خود را اطاعت کند و چنین زنانی زنان صالح هستند. (موسوی‌همدانی، ۱۳۹۵: ۴/۵۴۳-۵۴۴). در مقابل زنان صالح، زنانی هستند از شوهر خود اطاعت نمی‌کنند که ناشزه نامیده می‌شوند. لذا «قنوت» در مقابل «نشوز» قرار گرفته است.

همین بیان در فرمایش برخی فقها نیز گفته شده است. (گلپایگانی، ۱۴۱۴: ۴۴/۱؛ انصاری، ۱۴۱۱: ۲۹/۳)

۲-۱-۲. استناد به روایات

در ارتباط با این نظریه روایاتی در کتب فقهی مورد استناد قرار گرفته (مکارم‌شیرازی، ۱۴۳۲: ۲۸۸/۳) که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف) استناد به روایت محمد بن مسلم:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: زَنَى خِدْمَتِ پِيَامِبِرِ رَسِيدٍ وَ پَرَسِيدٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ حَقَّ شَوْهَرٍ بِرِ هِمَسَرَشِ چِيسْت؟ حَضْرَتِ فرمود: از او اطاعت کند و نافرمانی او را نکند..... این روایت مهم‌ترین روایتی است که ذکر کرده‌اند و فراز «لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تُعَصِّيهَ» را مورد استناد قرار داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۵).

ب) استناد به روایت عبدالله بن قاسم:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضَرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهْدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ قَالَ وَ إِنَّ أَبَاهَا مَرَضَ فَبَعَثَ الْمَرْأَةَ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَتْ إِنَّ زَوْجِي خَرَجَ وَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَقْدَمَ وَ إِنَّ أَبِي قَدْ مَرَضَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُوْدَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ... قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَ إِلَيْهِ إِنَّ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَصْلِيَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ أَنْ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لَأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لَزَوْجِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱۳/۵).

امام صادق (ع) فرمود: در زمان پیامبر مردی از انصار برای انجام برخی امور از منزل خارج و به مسافرت رفت و از زنش پیمان گرفت که از خانه‌اش خارج نشود تا باز گردد. در این میان، پدر آن زن بیمار شد. زن به پیامبر پیغام فرستاد و از اجازه خواست که به عیادت پدرش برود. پیامبر فرمود: نه، در خانه‌ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. پدر آن زن فوت کرد. پس به پیامبر پیغام فرستاد که پدرم فوت کرده است. آیا اجازه می‌دهی که بر او نماز گزارم؟ پیامبر فرمود: نه، در خانه‌ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. امام صادق (ع) فرمود: پدرش به خاک سپرده شد. پس پیامبر به وسیله شخصی این پیام را به زن فرستاد که خداوند تو و پدرت را به واسطه پیروی از همسرت بخشید.

ج) استناد به روایت جابر جعفی:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ أَنَّ إِمَامَ بَاقِرٍ (ع) فرمود: در زوال عید قربان پیامبر بر شتر برهنه‌ای سوار بود و به بیرون مدینه می‌رفت. گذرشان بر زنان افتاد، درنگ کرده و گفتند: ای زنان صدقه دهید و از شوهرانتان فرمانبرداری کنید. بسیاری از شما اهل دوزخ هستید. زنان چون این گفته شنیدند، به گریه افتادند. زنی از میان برخاست و گفت: در دوزخ با کافران؟! ما که کافر نیستیم. فرمود: شما به حق شوهر کافر هستید (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۰/۱۷۵).

۳-۱-۲. نقد نظریه

تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، برای نظریه دلیل قابل قبولی ذکر نشده است بلکه اشکالات دیگری به این نظریه نیز وارد است.

۳-۱-۲-۱. مخالفت با سیاق آیه ۳۴ سوره نساء

همانطور که در بخش بعد بیان خواهد شد، سیاق آیه بر اساس قسمتی که فرموده ﴿حَافِظَاتُ لِّلْغَيْبِ﴾ و به قرینه مقابله با نشوز، این را می‌رساند که منظور آیه این است خیانت انجام نگیرد. لذا برداشت اطاعت مطلق خلاف سیاق آیه می‌باشد. ممکن است گفته شود این عبارت از آیه که فرموده ﴿فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا﴾ (نساء/۳۴) قرینه است بر اینکه زن باید مطیع شوهرش باشد؛ زیرا پس از اقداماتی که مرد بعد از نشوز زن انجام می‌دهد، خداوند فرموده اگر از شما پیروی کردند، دیگر راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (اردبیلی، بی تا: ۵۳۷)

در پاسخ می‌گوییم که این عبارت، جمله شرطیه است و دستوری به زن‌ها برای اطاعت کردن داده نشده است. هم‌چنین در عرف آن زمان به دلیل ازدواج‌های سلطه جویانه‌ای که صورت می‌گرفت، زن‌ها مطیع شوهران خود بودند، لذا خداوند به شوهران دستور داده که به زن‌های مطیع تعدی نکنند و بر آنان ستم روا ندارند. (ودود، ۱۳۹۳: ۱۴۰) با این فرض که قبول کنیم مراد آیه دستور به اطاعت می‌باشد اما محدوده پیروی کردن مشخص نیست. لذا برخی اطاعت از شوهر در امور زناشویی (قمی، ۱۴۰۴: ۱۳۷/۱) و عده‌ای اطاعت مطلق از شوهر را به عنوان حدود اطاعت دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۰/۳)

۲-۳-۱-۲. مخالفت با قاعده لاضرر

قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» از جمله قواعد پر کاربرد در فقه می‌باشد که در مسائل مختلف مورد استناد فقها قرار گرفته است. غالب استعمال واژه «ضرر» در مورد زیان جانی یا مالی به کار می‌رود و کاربرد واژه «ضرار» و مشتقات آن در تضییق، اهمال، حرج و سختی، شایع و رایج است که به معنای ایجاد فشار، اضطراب و سخت‌گیری به کار می‌رود. (سبحانی، ۱۴۳۱: ۳/۴۹۲)

براین اساس اطاعت مطلق زن از شوهر مصداق بارز ضرر و اضرار است؛ مثل اینکه مردی با منع رفتن زن به دادگاهی که حفظ آبروی وی یا به دست آوردن مالی مثل ارث، به آن دادگاه وابسته است، موجب از بین رفتن مال و آبروی زن شود. یا اینکه با منع بیرون رفتن زن از خانه سخت‌گیری و فشار بیش از حد به زن وارد می‌شود که موجب بروز آسیب‌های روحی و روانی در وی خواهد شد.

۲-۳-۱-۲. مخالفت با قاعده عدم ولایت

به نظر می‌رسد این دیدگاه رویکردی نامعقول در روابط زوجین به شمار می‌آید و علاوه بر آنکه با آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) و قاعده تسلیط «الناس مسلطون علی اموالهم و أنفسهم» منافات دارد، با غایات خلقت زن از دیدگاه اسلام و قاعده عدم ولایت که نتیجه آن اصل آزادی و استقلال فردی می‌باشد، در تضاد است؛ چراکه اصل بر آن است هیچ فردی بر دیگری حق تسلط و ولایت ندارد (انصاری، ۱۴۱۱: ۲/۹۶) و در روایات آمده: «النَّاسُ كُلُّهُمْ أَحْرَارٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۴۲۰) همه آزاد هستند و هیچ کس حق زور و اجبار بر دیگری ندارد. پس قاعده نفی ولایت، اصل استقلال فردی در اسلام را به رسمیت می‌بخشد که هر انسانی در حقوق فردی و اجتماعی مستقل است و می‌تواند از منافعش دفاع کند و آن‌ها را حفظ نماید و در این راه به هدف‌هایی که دارد برسد.

۳. نشوز زوجه در آئین زرتشت

ازدواج و تشکیل خانواده در آئین زرتشت امری مقدس و محترم شمرده شده است تا جایی که بر اساس متون دینی زرتشت، کسی که همسر اختیار کرده است بر شخصی که مجرد می‌باشد، ترجیح داده شده است. (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۲/۶۹۹) بر مبنای اعتقاد زرتشتیان مرد در خانواده زرتشتی کدخدا محسوب می‌شود و زن تحت سالاری و فرمانروایی شوهر قرار می‌گیرد و باید نسبت به شوهر خود مطیع و فرمانبردار باشد. حال اگر زن از فرمانبرداری شوهر سرباز زند، ناشزه محسوب می‌شود که طبق اصطلاح این آئین به وی ناترس آگاه می‌گویند. (مزدپور، ۱۳۷۱: ۴۰) علمای زرتشتی در ارتباط با نشوز زوجه نظریاتی ارائه کرده‌اند که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. نظریه اول؛ عدم اطاعت مطلق از شوهر

یکی از مهم‌ترین اسناد فقهی و حقوقی ایران باستان که براساس قوانین دینی زرتشت تدوین شده، کتاب مادیان هزارادستان است. آنچه در این کتاب درباره تحقق نشوز زن آمده آن است که زن کارهای نیکی

که شوهر فرمان می‌دهد را انجام ندهد و یا کارهای بیهوده و بدی که شوهر منع کرده است را انجام دهد. هر کدام از این دو حالت، سه بار رخ بدهد نشوز محقق می‌شود. (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۹۵) کتاب روایات داراب هرمزدیار که مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی زرتشت می‌باشد، نشوز زن را عدم اطاعت مطلق از دستورات شوهر می‌داند؛ به گونه‌ای که به مدت یک شبانه‌روز چهار مرتبه به شوهر خود بگوید من تو را نمی‌خواهم و زن تو نیستم. (جی مؤدی، ۱۹۲۲: ۱/۱۹۰)

برای گستره نشوز زوجه مواردی را در متون دینی زرتشت ذکر کرده‌اند:

الف) شوهر از زن بخواهد لباسش را در آورد اما او به صورت نیمه درآورد و لباسش را کامل در نیاورد. ب) شوهر از او بخواهد کار نیک انجام دهد اما چنین کاری نکند و کار بد انجام دهد. ج) شوهر از او بخواهد کاری کند که به اندازه درهمی ارزش داشته باشد اما زن کاری انجام دهد که به اندازه میخی ارزش داشته باشد.

د) از او بخواهد یزش (عبادت) کند اما زن انجام ندهد. (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۴۵)

در کتاب ارداویراف‌نامه که اعتقادات زرتشتیان به دنیای پس از مرگ می‌باشد، برای چنین زنی عقوبت‌های اخروی نیز ذکر شده است. زنی که مقابل شوهر خود زبان دراز بوده و با او مجادله و ستیز می‌کرده است و همچنین با زبان تیز خود باعث آزار و اذیت شوهر شود؛ به گونه‌ای که خواسته‌های شوهر را اجابت نکند به عنوان مصادیق نشوز مطرح شده و جایگاه وی در جهنم می‌باشد. (یاسمی، ۱۳۱۴: ۴۶۷، ۴۶۳، ۳۶۹)

۳- ۲. نظریه دوم؛ خیانت به شوهر

دیدگاه دیگری که در تبیین نشوز زوجه بیان شده آن است که زن شوهر خود را رها کرده و به وی خیانت نماید تا با مرد دیگری زندگی کند. (بهرامان، ۱۳۹۳: ۲۹۵) یکی از موارد جواز طلاق توسط مرد در آئین زرتشت همین است که زن با شوهر خویش ترک بستر کند و روی به امر ناشایست بیاورد که با مرد دیگری هم‌بستر شود. (دهابهار، ۱۹۰۹: ۱۰۲)

تا آنجایی که نگارنده در آثار فقهی و حقوقی زرتشتیان تحقیق انجام داده، این دیدگاه تنها در کتاب مادیان مطرح گردیده و در آثار دیگر نظیر روایات داراب هرمزدیار، صد در بندهش، شایست ناشایست بیان نشده است. البته در کتاب ارداویراف‌نامه نیز برای چنین زنی مجازات‌های شدیدی در جهنم بیان شده است. در فصل ۶۹ این کتاب در رابطه با زنی صحبت کرده که نسبت به شوهر خود پیمان شکنی کرده و خیانت نموده و تن به همخوابگی با مردی دیگر داده است. (یاسمی، ۱۳۱۴: ۳۷۱) در فصل ۲۴ در مورد زنی صحبت می‌کند که به شوهر خود خیانت کرده و تن خود را در اختیار مردی غریبه قرار داده است. (همان، ۲۴۲)

۴. مقایسه دیدگاه اسلام و زرتشت

در فصول قبل مجموعاً سه نظریه فقهی-حقوقی و دو نظریه متخذ از منابع زرتشت تبیین و تشریح شد. مدعای نگارنده این است که دو نظریه از نظریات فقهی با نظریات زرتشتی مطابقت دارد که یکی از آنها دارای اشکالات و نقاط ضعفی است و نظریه دیگر، دیدگاه مورد پذیرش نگارنده است و دارای ادله و نقاط قوت است، و یکی از نظریات فقهی نیز علاوه بر عدم تطابق با نظریات زرتشتی، دارای اشکالاتی است. در این قسمت، به مقایسه آنها با دیدگاه‌های علمای زرتشت می‌پردازیم:

۴- ۱. بخش اول

دیدگاه اول علمای زرتشت ریشه در فرمانروایی و سلطنت مطلق مرد بر روح و جسم زن دارد (یاسمی، ۱۳۱۴: ۳۷۰) به گونه‌ای که ظاهراً برخی متون فقهی و دینی زرتشت رو به شرک آورده و مقام شوهر را هم‌ردیف خداوند در نظر گرفته و اطاعت مطلق از او را به جای اطاعت محض از خداوند قرار داده‌اند؛ یعنی همانطوری که مردان ایزد متعال را نیایش می‌کنند و در برابر خداوند تسلیم می‌شوند، بر زنان واجب است صبح زود بعد از شستن صورت رو به شوهر کنند و او را نیایش کنند؛ به این صورت که خود را به تسلیم او در آورند و به شوهر بگویند چه فرمان می‌دهی که من آن را انجام دهم و هر آنچه شوهر دستور دهد را باید بر طبق همان رفتار کند و از فرمان شوهر نباید تخطی کنند که موجب آزار و اذیت وی شود؛ چون خشنودی شوهر، موجب خشنودی خدا می‌شود. (دهابهار، ۱۳۸۰: ۱۹۰۹ / جی مؤدی، ۱۹۲۲: ۲۰۴ / میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۵۰).

براساس این نظر برای زن شخصیت مستقلی در نظر گرفته نمی‌شد بلکه به عنوان شیء تحت سرپرستی رئیس خانواده قرار می‌گرفت؛ به گونه‌ای که مانند سایر اعضای خانواده یعنی کودکان و بردگان به اطاعت بی چون و چرا از مرد محکوم بود و هرروز باید طرز اندیشیدن و رفتار خود را از شوهر پیرسد تا مطابق خواست او انجام دهد. (بارتلمه، ۱۳۷۷: ۶۲، ۴۰)

نظریه ارائه شده علاوه بر آنکه برخلاف فطرت انسانی، ارزش وجودی زن و اصل عقلانی عدم تسلط بر دیگری می‌باشد، با فرهنگ و اعتقاد زرتشت مبنی بر گفتارنیک، پندارنیک، کردارنیک در تضاد است؛ زیرا تسلط مطلق بر زن به صورتی که هیچ گونه آزادی و استقلال در اندیشه و رفتار برای وی در نظر گرفته نشود، کاملاً غیر معقول می‌باشد و نمی‌توان از زن به عنوان انسانی که صاحب فکر و اندیشه است، انتظار داشت که عقل خود را نادیده بگیرد و مانند برده یا سفیه در اختیار دیگری باشد.

به نظر می‌رسد این نظریه با دیدگاه دوم فقهاء نسبت به نشوز زوجه در امتناع از تمکین عام شباهت دارد اما اندکی اختلاف مشاهده می‌شود؛ زیرا نگارنده با توجه به آنچه در کتاب‌های فقهی و حقوقی زرتشتیان تتبع نموده، درباره این نظریه دلیلی ارائه نشده است تا مورد ارزیابی قرار گیرد و همچنین برای عدم اطاعت از شوهر مواردی نظیر خودداری از سکونت در منزل زوج و خروج از منزل بدون اذن و اشتغال زن بدون اذن شوهر که در کلام فقهاء مطرح شده بود، در متون زرتشتی ذکر نشده است. این نظریه دارای اشکالاتی است که در دو بخش "نقد ادله" و "نقد کلی" نظریه قابل تشریح است:

۴-۲. بخش دوم (راهکار و نظریه نهایی پژوهش)

ازدواج، پیمانی است که زوجین به همدیگر متعهد می‌شوند در تمام لحظه‌های زندگی، در شادی و غم، در آسایش و سختی، در کنار هم باشند تا زمانی که مرگ آن‌ها را از هم جدا کند. هیچ کس حتی با توهم پیمان شکنی خود و یا همسرش وارد زندگی مشترک نمی‌شود. آنچه می‌تواند کام شیرین باهم بودن را به شدت تلخ کند نامتوازن شدن رابطه به عنوان زمینه ساز خیانت است. در پیمان کدخدایی که متن سند ازدواج زرتشتیان در دوران کهن ایران می‌باشد، به ابعاد مختلف ازدواج از جمله تعهدات زوجین اشاره می‌نماید که با راست منشی این پیمان را متعهد شوند و در تمام طول زندگی از موازین و تعهد همسری خارج نشوند (جاماسب، ۱۳۷۱: ۱۷۳). به نظر می‌رسد این نظریه با آنچه که ما از آیات و روایات برداشت کردیم نزدیک‌تر است و این نوع دیدگاه از لحاظ عقل و منطق با هدف اصلی ازدواج سازگار است؛ زیرا ازدواج سالم به معنی حضور چندین عنصر مثل تعهد، رضایت زناشویی، ارتباط عاطفی و عدم وجود عناصری مانند خشونت و خیانت می‌باشد. این دیدگاه بر دو دلیل از کتاب و سنت استوار است:

۴-۲-۱. دلیل اول (کتاب)

براساس دیدگاه آنچه سابقاً در مباحث مربوط به تمکین خاص بیان شد، مراد از ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾ در آیه ۳۴ سوره نساء، آن است که زنان صالح، زنانی هستند که اطاعت خدا را در امر خانواده انجام می‌دهند و آن موردی است که عفت مداری پیشه می‌کنند به سبب امری که خداوند دستور به حفظ آن داده است و چه امری در ازدواج بالاتر و مهم‌تر از حفظ نفس و عفت می‌باشد. بر همین اساس خداوند مسأله‌ای که جنبه مهم دارد و پایه‌گذاری بنیان خانواده بر آن است را خطاب قرار می‌دهد.

با دیدگاهی که بیشتر نسبت به دو واژه «حفظ غیب» و «قنوت» بیان شد، مشخص می‌شود نشوز در تضاد با قنوت نیست بلکه نقطه مقابل حفظ غیب است؛ زیرا حفظ غیب به معنای عفت‌مداری و پاکدامنی دانسته شد و نشوز آن است که زن به شوهرش خیانت کند و بین خود و مرد دیگری جمع می‌کند.

همچنین با توجه به آنچه گفتیم، برگشت به اصل زندگی، ایجاد انس، محبت و عشق به شوهر محدوده اطاعت می‌باشد؛ زیرا «أَطَعْنَكُمْ» یعنی زن از نشوز خارج شود و همانطور که بیان شد، نشوز تمایل زن به مردی غیر از همسرش می‌باشد که منجر به فروپاشی خانواده می‌شود و لذا اطاعتی که در آیه گفته شده همان عدم نشوز و تمایل محبت آمیز به شوهرش می‌باشد. برخی علماء نیز «أَطَعْنَكُمْ» را عدم جدایی و حفظ کیان خانواده دانسته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷/۳: ۱۲۷/۳، امین، ۱۴۰۳: ۱/۲۲۵)

۴-۲. دلیل دوم (سنت)

همین برداشت از روایات هم فهمیده می‌شود. یکی از احادیثی که ناظر به نشوز زن در کتب روایی ذکر شده آن است پیامبر در حجه الوداع خطبه‌ای ایراد فرمودند و در فرازی از آن نقل شده:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا حَقُّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئْنَ أَحَدًا قُرْشَكُمْ وَلَا يَدْخُلْنَ أَحَدًا تَكْرَهُوهُ بَيُوتَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ وَأَلَّا يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ لَكُمْ أَنْ تَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ...» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۱/۵۱۷).

در روایت مورد استناد حق مردان بر همسرشان ذکر شده از جمله: «أَنْ لَا يُوطِئْنَ أَحَدًا قُرْشَكُمْ»؛ زنان کسی را به بستر شوهرشان راه ندهند و «لَا يَدْخُلْنَ أَحَدًا تَكْرَهُوهُ بَيُوتَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ»؛ کسی را که شوهر از او کراهت دارد بدون اذن وی به خانه راه ندهند؛ به دلیل اینکه این مورد خوف نشوز را در پی دارد. بنابراین در روایت صحبت از عدم رعایت حق استمتاع یا مطلق فرمانبری مطرح نشده بلکه تحقق خیانت یا خوف خیانت مورد نظر قرار گرفته است که به نظر ما این حدیث با آیه سازگار می‌باشد.

بنا بر ادله فوق، "نشوز" به معنای خیانت باید مبنای استنباط احکام مربوط به آن و همچنین وضع قوانین مربوطه در ایران قرار گیرد.

البته این نظریه دارای آثار کاربردی بسیاری است از جمله اینکه در زمان حال موضوع خیانتی که از طرف زوجه به زوج و بالعکس با توجه به فضایی که موجود، زیاد شده است که زوجه در قبال زوج اطاعت و تمکین خاص نیز دارد ولی در عین حال به شوهر خویش خیانت می‌کند و شخص دیگری ارتباط دارد

که این امر موجب تزلزل بنیان خانواده می‌شود که اهمیت حفظ بنیان خانواده در نزد خداوند دارای اهمیت بسیاری است که با وجود این نظریه شاید بتوان به حفظ این امر کمک نمود.

نتیجه

بعد از بررسی‌هایی که در زمینه مفهوم‌شناسی نشوز زوجه و گستره آن از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران با نگاهی به آئین زرتشت صورت گرفته است، نتایجی حاصل شده است؛ به این صورت که در فقه و قانون مدنی برای نشوز دو نظریه بیان شده است:

۱. امتناع از تمکین خاص که به معنای امتناع زوجه از همبستگی خاص با زوج است که برای این نظریه ادله‌ای از آیات (آیه ۳۴ سوره نساء) و روایات (روایت محمد بن علی و عمر بن جبیر و مرسله طبرسی) استناد شده است که به هر کدام از این ادله اشکالاتی وارد است، اما نظریه دوم امتناع از تمکین عام است که به معنای سرپیچی از فرمان شوهر به صورت مطلق می‌باشد که طرفداران این نظریه برای اثبات مدعای خود ادله‌ای را بیان کرده‌اند از جمله اطلاق قوامیت در آیه ۳۴ سوره نساء، روایات محمد بن مسلم، عبدالله بن قاسم و جابر جعفی می‌توان اشاره کرد که البته این ادله نیز دارای اشکالاتی هستند. در آیین زرتشت نیز برای نشوز دو نظریه وجود دارد: ۱. عدم اطاعت مطلق از شوهر ۲. خیانت به شوهر که نظریه اول با یکی از نظریه‌های مطرح شده در فقه امامیه مطابقت دارد. اما در معنای اول مطرح شده در فقه امامیه و معنای دوم در آیین زرتشت بین آن دو اختلاف وجود دارد. اما در آخر بر اساس آیات و روایاتی که وجود دارد می‌توان گفت معنای نشوز می‌تواند همان عدم خیانتی که در آیین زرتشت وجود دارد، باشد که البته هیچ کدام از فقهای امامیه به این معنا قائل نشده‌اند ولی چون در منابع موبداتی دارد، می‌تواند به عنوان نظریه سوم مطرح شود. اما پیشنهادی که در این زمینه می‌توان داشت، با توجه به اینکه در قانون مدنی ایران توجهی به ماهیت، مفهوم و گستره نشوز زوجه صورت نگرفته است، لذا لازم است نسبت به این مسأله بازنگری قابل توجهی بر اساس آیات و روایات ذکر شده انجام شود، بلکه این معنا برای نشوز مورد استفاده قرار گیرد که به هدف اصلی شارع که حفظ خانواده باشد، نزدیک‌تر است.

منابع

* قرآن کریم

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، **المقنع**، قم، الامام الهادی، ۱۴۱۵ ق
- **همو، الخصال**، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، **الوسيلة الى نيل الفضيلة**، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۸ ق

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر/شماره ۲۷- بهار ۱۴۰۳/مفهوم‌شناسی نشوز زوجه و گستره آن از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران با نگاهی به آئین زرتشت/ ۱۹۷

-
- ابن زهره، حمزه بن علی، **غنیة النزوع**، قم، الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۷ ق
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق
- اردبیلی، احمد بن محمد، **زبدۀ البیان فی احکام القرآن**، تهران، المکتبه المرتضویه، بی تا
- امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق
- انصاری، مرتضی، **کتاب النکاح**، قم، تراث الشیخ الاعظم، بی تا
- همو، **المکاسب**، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق
- بارتلمه، کریستیان، **زن در حقوق ساسانی**، ترجمه ناصر صاحب الزمانی، تهران، عطایی، ۱۳۷۷ ش
- بحرانی، یوسف بن احمد، **الحدائق الناضرة**، قم، النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش
- بهرامان، فرخ‌مرد، **مادیان هزار دادستان**، ترجمه سعید عریان، تهران، علمی، ۱۳۹۳ ش
- بیات، قریه‌ای، **بیات، شیرین، شرح جامع قانون مدنی**، چاپ ۴، تهران، ارشد، ۱۳۹۳ ش
- تدین، مائده السادات، **بررسی فقهی-حقوقی نشوز زوجین**، تهران، عصر جوان، ۱۴۰۰ ش
- جاماسب، جی دستور منوچهر، **متون پهلوی**، گزارش سعید عریان، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱ ش
- جعفری تبریزی، محمدتقی، **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش
- جواد آملی، عبدالله، **زن در آینه جلال و جمال**، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ش
- جی مودی، جوانجی جمشید، **روایات داراب هرمزدیار**، ترجمه حمیدرضا دالوند، بمبئی، گلزار حسنی، ۱۹۲۲ م
- حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه**، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ ق
- حلّی، حسن بن یوسف، **خلاصه الاقوال**، التحقیق: شیخ جواد القیومی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق
- خویی، ابوالقاسم، **منهاج الصالحین**، قم، موسسه الخوئی الاسلامیه، بی تا
- داودی، سعید، **زنان و سه پرسش اساسی**، قم، امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۵ ش
- دوستخواه، جلیل، **اوستا (کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی)**، تهران، مروارید، ۱۳۸۵ ش
- دهبهار، ارواد بمانجی، **صد در بندهش**، ترجمه بهمن انصاری، بمبئی، اوقاف پارسی، ۱۹۰۹ م
- سبحانی، جعفر، **نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه**، قم، الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۶ ق
- همو، **تهذیب الاصول**، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۳۱ ق
- سبزواری، عبدالاعلی، **مذهب الاحکام**، قم، دارالتفسیر، بی تا
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، **الروضة البهیة**، قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر/شماره ۲۷- بهار ۱۴۰۳/مفهوم‌شناسی نشوز زوجه و گستره آن از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران با نگاهی به آئین زرتشت/ ۱۹۸

-
- همو، **مسالك الافهام**، قم، المعارف الاسلامیة، ۱۳۸۳ ش
- صفایی، حسین: امامی، اسدالله، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ ۱۴، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش
- طباطبایی، سید علی، **ریاض المسائل**، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق
- همو، **مکارم الاخلاق**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۲ م
- طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
- همو، **الخلافا**، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق
- همو، **الفهرست**، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، **المحجة البيضاء**، چاپ ۴، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق
- کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی خانواده**، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۰ ش
- کدaranث، تیواری، **دین‌شناسی تطبیقی**، ترجمه سید ابوطالب فناپی و محمد ابراهیمیان، تهران: محسن، ۱۳۸۷ ش
- کشی، محمد بن عمر، **اختیار معرفة الرجال المعروف ب-رجال الکشی-**، مع تصحیح و تعلیق شیخ طوسی، مشهد، نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق
- گلپایگانی، محمدرضا، **کتاب القضاء**، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۴ ق
- مجلسی، محمد باقر، **مرآة العقول**، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق
- محقق داماد، سید مصطفی، **بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن**، چاپ ۳، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۵ ش
- مروارید، علی اصغر، **البنایع الفقهیه**، بیروت، الدار الاسلامیة، ۱۴۱۰ ق
- مزداپور، کتایون، **زن در آئین زرتشتی**، آلمان، نوید، ۱۳۷۱ ش (۱۹۹۲ م)
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش
- معارف، مجید، **تاریخ عمومی حدیث**، چاپ ۳، تهران، کویر، ۱۳۸۴ ش
- مفید، محمد بن محمد، **المقنعة**، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۷ ش
- همو، **انوار الفقاهه - کتاب النکاح -**، قم، دارالنشر الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۳۲ ق

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر/شماره ۲۷- بهار ۱۴۰۳/مفهوم‌شناسی نشوز زوجه و گستره آن از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران با نگاهی به آئین زرتشت/ ۱۹۹

منیر، محمد: بادغیسی، وسیمه: صالحی، عبدالکبیر: کاوه، علی احمد، **خشونت خانوادگی، عوامل**

و راهکارهای مقابله با آن، {بی جا}، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، ۱۳۸۸ ش

موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا
موسوی همدانی، محمد باقر، **ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۹۵ ش

میرفخرایی، مهشید، **روایت پهلوی**، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷ ش
نجاشی، احمد بن علی، **رجال النجاشی**، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق
نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش

ودود، آمنه، **قرآن و زن**، ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران، حکمت، ۱۳۹۳ ش

***مجلات، مقالات، سایت**

حکیم باشی، حسن، «آیه نشوز و ضرب زن از نگاهی دیگر»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۷، شماره ۲۷، ۱۳۸۰ ش

رجبی دوانی، محمدحسین، «زرتشت، دینی آسمانی یا آئینی دروغین»، **باشگاه خبرنگاران جوان**،
< www.yjc.news >

قبادی، مریم، «نشوز؛ مصادیق و شیوه‌های برخورد با آن در قرآن کریم»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۱، شماره ۴، ۱۳۹۳ ش

کاردوانی، راحله: شاکری، طوبی: وکیلی، مهدی، «بررسی فقهی-حقوقی گستره نشوز زوجین و شیوه مواجهه با آن»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۶، شماره ۶۴، ۱۳۹۳ ش

مصطفوی فرد، حامد، «بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن»، فصلنامه فقه اهل بیت، سال ۱۸، شماره ۶۹، ۱۳۹۱ ش

یاسمی، رشید، **ارداویراف نامه**، مجله مهر، سال اول، شماره ۵-۱، ۱۳۱۴ ش

یدک یراقی، مریم، «بررسی تطبیقی حقوق خانوادگی زن در اسلام و زرتشت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ ش